**دوره های سبک شعر فارسی**

سبك شعر، یعنی مجموع كلمات و لغات و طرز تركیب آنها، از لحاظ قواعد زبان و مفاد معنی هر كلمه در آن عصر، و طرز تخیل و ادای آن تخیلات از لحاظ حالات روحی شاعر، كه وابسته به تأثیر محیط و طرز معیشت و علوم و زندگی مادی  و معنوی هر دوره باشد، آنچه از این كلیات حاصل می‌شود آب و رنگی خاص به شعر می‌دهد كه آن را «سبك شعر» می‌نامیم، و قدما گاهی به جای سبك «طرز» و گاه «طریقه» و گاه «شیوه» استعمال می‌كردند.
شعر فارسی، به طور كلی، از زیر سیطره و تسلط چهار سبك بیرون نیست، اگر چه باز هر سبكی به طریقه و طرزهای مختلفی تبدیل می‌شود تا می‌رسد به جایی كه هر شاعری استیل و طرز خاصی را به خود اختصاص می‌دهد كه قابل حصر نیست، بنابر این در مدارس امروز ما تنها چهار سبك را اصیل و مبدأ سبكها قرار داده ایم و آن به قرار زیر است:

**2- سبك خراسانی یا تركستانی**

نمونه از شعر رودکی پدرشعرفارسی:
بوی جوی مولیان آید همی            یاد یار مهربان آید همی
ریگ آمو درشتی راه او                زیر پا یم چو پرنیان آید همی
آب جیحون با همه پهناوری            خنگ ما را تا میان آید همی
ای بخارا شاد باش و شاد زی        شاه نزدت میهمان آید همی
میر ماه است و بخارا آسمان          ماه سوی آسمان آید همی
میر سرو است و بخارا بوستان       سرو سوی بوستان آید همی
آفرین و مدح سود آید ترا               گر به گنج اندر زیان آید همی

سبک خراسانی که آن را سبک ترکستانی هم می‌گویند در واقع طنز و شیوه شاعران خراسان بوده است.
در این شیوه که از اولین دوران شعر فارسی یعنی اوایل قرن چهارم تا اواسط قرن ششم ادامه داشت.
شاعران و استادان زیادی مانند: رودکی، فرخی، عنصری، فردوسی، منوچهر ی، ناصرخسرو، سنایی و
مسعود سعد سلمان ظهور کرده و شیوه خراسانی را به کمال رساندند.
سبک خراسانی دو مرحله دارد:  دوره سامانی و دوره غزنوی وسلجوقی.
در دوره سامانی، سادگی بیان و کهنگی تعبیرات و اصطلاحات به خوبی مشخص است. غلبه کلمات فارسی بر واژه‌های عربی و توجه به توصیفات طبیعی و ساده و محسوس و عینی از ویژگیهای شعر این دوره محسوب می‌شود.
موضوعاتی که در شعر این دوره مطرح می‌شود غالباً یا مدح است و یا هجور وهزل که هر دو ملایم است و معتدل و دور از اغراق. تغزلات عاشقانه و پند و اندرز وحکمت با شیوه‌ای شاعرانه و نه عالمانه نیز از مشخصات شعر این دوره به شمار می‌رود. از قالبهای مهم در این عصر می‌توان به قصیده ومثنوی اشاره کرد. درقصیده معمولاًموضوع مدح و هجو و تغزل است و در مثنوی تمثیل و داستان و حماسه بیان می‌شود. عنصری ومنوچهری و بعدهاناصرخسرو وسنایی به تدریج سادگی طبیعی را از شعر سبک خراسانی دور می‌سازند و آن را تا حدی ازمیان می‌برند. در سبک این دوره بعضی قالب‌های تازه مانندترجیع بندو ترکیب بند و نیز مسمط و قطعه به وجود می‌آید. با این همه قصیده و مثنوی از قالبهای معتبر این سبک است. صنایع بدیع اعم از لفظی و معنوی و انواع تشبیهات درشعر این دوره رواج داشته است. شاعرانی مانند عنصری، منوچهری، ناصرخسرو وسنایی از اصطلاحات فلسفی، نجوم، ریاضیات و بعضی مباحث علوم طبیعی و پزشکی در شعر خود استفاده می‌کند و به این ترتیب رنگی عالمانه به شعر خود می‌زدند. استفاده از احادیث و آیات قرآنی و نیز اشعار عربی درمیان شاعران این دوره رواج بیشتری یافت. مثلاً منوچهری که دیوان اشعار عربی را از برداشت نمی توانست خود را از زیر نفوذ و تاثیر آن خارج سازد و ناصرخسرو و سنایی معلومات و مطالعات دینی خود را در شعر خویش می‌آوردند. بیان موضوعاتی مانند مدح و هجو و تغزل و پند و حکمت در شعر این دوره ادامه یافت ولی در این میان اغراق و تا حدی اضافه گویی زیادتر شده و در واقع به نوعی تکامل یافت. بااین همه کسانی مانند ناصر خسرو، مدح اغراق آمیز را به یک سو نهادند و حکمت و دین واخلاق را به جای آن معنای قرار دادند. هر چند در ابتدای این سبک روح ملی وحماسی خاصه در دوره سامانی جلوه‌ای بارز داشت ولی در پایان آن این روحیه تضعیف شده و جای آن را روحیه زاهدانه کسانی مثل ناصرخسرو و اخلاق صوفیانه شاعرانی چون سنایی پر کرد. به طور خلاصه می‌توان گفت شروع این سبک با روحیه حماسی و پایان آن با روحیه صوفیانه.
شعرای موجد سبك بین بین: سید حسن غزنوی، انوری ابیوردی، رشید وطواط، عمادی شهریاری، خاقانی شیروانی، نظامی گنجوی، ظهیرفاریاب، جمال الدین اصفهانی.(سبک آذربایجانی)

**2- سبک عراقی**

سبک عراقی با ظهورسلجوقیان در خراسان واتابکان در عراق و آذربایجان به وجود آمد وبه تدریج شعر "دری" که مرکز اصلی آن در خراسان و ماوراءالنهر است، به عراق وآذربایجان راه یافت. از طرفی در این دوران بر اثر سیاست سلجوقیان، مدارس مختلف دینی تأسیس شد و معارف اسلامی مانند تفسیر و منطق و حکمت و علوم بلاغی و ادبیات عرب در این مدارس تدریس می‌شد و ترویج علوم و معارف اسلامی باعث شد که شاعران وادیبان نیز با علوم رایج زمان آشنا شوند. در این دوره علوم مدرسه‌ای در شعرتأثیر فراوان گذارد تا آنجا که فرا گرفتن علوم از لوازم شاعری شد و مایه تفاخر ومباهات شاعران. رواج شعر دری در عراق و آذربایجان و تاثیر علوم اسلامی وادبیات عرب در آن سبب شد که در شعر فارسی تحولی اساسی به وجود آید. این تحول هر چند در شعر شاعران آذربایجان و عراق مشهودتر است اما می‌توان آن را قبل از همه در شعر"انوری"و "ظهیر فاریابی" مشاهده کرد. "انوری" نخستین کسی است که این شیوه جدید را ارائه می‌دهد و از یک طرف قصاید و مدایح اغراق آمیز و پرصنعت را وارد شعر رهایش کرد و از طرف دیگر غزلهای لطیف و پرشور سرود. در آذربایجان "خاقانی " ونظامی " پرچم دار شیوه تازه شدند و در عراق "جمال الدین اصفهانی" و پسرش "کمال الدین" و این شیوه را برگزیده و در ادامه این روند"سعدی " و" حافظ " آن را به اوج می‌رساندند.
معانی شعری در این شیوه تازه گذشته از مدح که با اغراق و خضوع وخشوع فراوان نسبت به ممدوح همراه است دارای هجو و هزل نیز هست اگر بعضی از شاعران این دوره مانند "انوری" و "سوزنی سمرقندی" هجوهای تند و هزل هایی (مطالب طنز گونه) زشت دارند ولی دیگر شاعران این سبک مانند "خاقانی" نیز سرودن در مایه‌های هجو و هزل را آزموده‌اند. عرفان و اخلاق و زهد از معانی رایج در شعر این دوره است. غزل که ابتدا انوری آن را بهصورت یک نوع جدید ارائه می‌دهد، در شعر غالب شاعران این دوره آزمایش می‌شود اوج آندر غزل سعدی و حافظ جلوه گر می‌شود. عرفان وتصوف نیز در این عصر یکمضمون رایج است که غالباً در شعر کسانی مانندمولوی وعطار وعراقی به چشم می‌خورد.
اغلب قالبهای شعری مانند: قصیده و مثنوی و غزل در این دوره رواج دارند. در میان شاعران این دوره نظامی گنجوی در "خمسه" نوعی جدید از انواع ادبی را در قالب مثنوی ارائه میدهد. او کلام خود را نو می‌داند و حتی با فردوسی به چالشگری بر می‌خیزد. دراین دوره است که سعدی بوستان را می‌آفریند و امیر خسرودهلوی وجامی گذشته از مثنوی‌های داستانی، اخلاق وحکمت را در قالب مثنوی رواج میدهند. شاعران فارس و اصفهان قالب غزل را بر قالبهای دیگر ترجیحمی دهند و "فارس" مرکز غزلسرایی به سبک عراقی می‌شود و سعدی وحافظ خداوندان غزل، هریک شیوه تازه‌ای می‌آفرینند. توجه به زیبایی کلمه و سادگی و خوش آهنگی که در واقع سبک خاص سعدی است در غزل تاثیر می‌گذارد و شاعران بسیاری از او تقلید می‌کنند ولی با این همه حافظ تحولی بزرگ در غرلفارسی ایجاد می‌کند و سبکی مستقل و آزاد می‌آفریند. در سبک عراقی قالب مثنوی و غزل اهمیت بیشتری پیدا می‌کندو تا دوره‌های بعد ادامه می‌یابد.
به طور کلی خصایص شعر سبک عراقی به طورخلاصه عبارتند از: کثرت لغات و ترکیبات عربی و از میان رفتن لغات دور ازذهن فارسی، رواج اشارات وتلمیح‌های فراوانمربوط به معانی علوم و اظهار فضل کردن و توجه و گرایش شاعران به حکمت و فلسفه ومنطق، تضمین و اشاره بهآیات و احادیث و اشعار مشهور عربی و اشاره به اخبار و احوال انبیا و مشایخ رو آوردنبه بیان غیرمستقیم و استفاده ازاستعاره ومعماوایهام، استفادهاز اغراق و صنایع مختلف بدیع، رواج بیان مسائل مذهبی و کم رنگ شدن حس وطن پرستی و گذشته از اینها توجه به اموال شخصی و زن و فرزندو اظهار بدبینی و تأسف از زندگی و گاه نفرت از شعر و شاعری که غالباً روحیات شاعررا نشان می‌دهد، از خصایص ممتاز و چشمگیر سبک عراقی به شمار می‌روند.

**3- سبك هندی**

سبک هندی یا اصفهانی که مقدمات آن از دوره مفعول فراهم شده بود با ظهور دولت" صفویه" در ایران و "بابریه" در هند و نیز بر اثر بعضی عوامل اجتماعی و سیاسی و دینی به وجود آمد.
پادشاهان صفوی برای حفظ استقلال ایران و تشکیل حکومت ملی، مذهب شیعه را به عنوان یک مذهب ملی و رسمی در سراسر ایران رواج می‌دادند و برای اشاعه آن تبلیغات دامنه داری را آغاز کردند و همین امر روال مذهبی و سنتی گذشته را تغییر داد. توجه شدید پادشاهان صفوی به تشیع و علاقه فراوان آنان به خاندان نبوت و اهل بیت باعث شد که شعر در خدمت مذهب و تبلیغ مذهبی قرار گیرد. پادشاهان صفوی به مدح و اغراقات آن چندان علاقه‌ای نشان نمی دهند. غالباً شعر در نظر آنان جزمناقب و مراثی امامان و اهل بیت چیزی نیست و شاعران مدیحه سرا که جز اغراق و تملق چیزی برای ارائه کردن نداشتند مورد بی اعتنایی قرار می‌گرفتند. برخی ازشاعران به دربار بابریه رفتند و بسیاری به شعر مذهبی خاص مرثیه روی آورند. از آنجا که دربار ایران به شاعران روی خوش نشان نمی داد، قصیده سرایی وسرودن خاصه مدیحه از رونق افتاد و همین موضوع امر باعث می‌شد که شعر از دربار خارج شود و به دست مردم و طبقات مختلف بیفتد.
در سبک هندی قالب غزل بیش از قالب‌های دیگر اهمیت یافت و شعرای بزرگ این مکتب مانندصائب تبریزی، نظیری نیشابوری، کلیم کاشانی، عرفی شیرازی وبیدل آن توجه فراوان کردند.
اگر چه در قالب‌های دیگر مانند مثنوی و قضیده نیز شاعران چون محتشم، کلیم، عرفی و ... شعرمی سرودند ولی جز مرثیه چیزی ارائه نکردند.
به طور کلی خصایص اصلی سبک هندی عبارتند از:
- اجتناب از سادگی بیان
- سعی در رقت فکر و خیال
- رعایت ایجاز و کوتاهی در کلام و جست و جوی در مضامین پیچیده و تعبیرات بی سابقه
- آوردن ترکیبات و کلمات نامأنوس و دور از ذهن و مضمون آفرینی
- آفرینش خیال و توجه به تمثیلات و ارسال المثل ها بر مبنای استفاده ازتجارب روزمره تا حدی که نشان دهنده تاثیر محیط زندگی در شعر باشد
علاوه براین ها توجه به اوهام و خرافات و رواج حکمت عامیانه، بیان احوال شخصی و عواطف مربوطبه زن و فرزند و خویشان نیز از خصوصیات این سبک به شمار می‌رود.
مضمونآفرینی و به جست و جوی مضامین بکر و ناگفته و نشناخته رفتن چنان که قبلاً هم اشارهشد چندان در سبک هندی رواج می‌یابد که کار به ابتذال می‌کشد.
مثلاً محمدطاهر غنی کشمیری از این که ساقه نرگس مانند قلم تهی است و از زمین آب می‌گیرد و کسیکه درد دندان دارد باید با قلم نی آب بخورد، در تشبیه معشوق و رقابت نرگس با آن، وسیلی خوردن وی از دست صبا، چنین مضمون عجیبی می‌سازد:

نرگس از چشم تو دم زد، بر دهانش زد صبا---- درد دندان دارداکنون می‌خورد آب از قلم
یا شوکت بخاری از سایه مژه چشم مور، قلمومی سازد و به دست نقاش می‌دهد تا دهان تنگ یار را به آن تصویر کند:
ز سایه مژه چشم مور بست قلم----- چو می‌کشید مصور دهان تنگ تو را
پرگویی نیز از خصایص شعر سبک هندی است.
شاعران این عصر غالباً در تمام مدت عمر به شعر گویی یا به عبارت دیگر شعر بافی سرگرم بودند. مثلاً شاعری به نام عواصی یزدی، روزی پانصد بیت شعر می‌گفته است ونود سال عمر کرده است.
شاعران سبك هندی: صائب تبریزی، زلالی خوانساری، علی نقی كمره ای، عرفی شیرازی، كلیم كاشانی، فیض دكنی، وحید قزوینی، بیدل، غنی كشمیری.

**4- بازگشت ادبی یا سبكهای جدید**

این نهضت از اواخر قرن دوازدهم هجری شروع شد و در اول مرکز اولیه آن اصفهان بود. علت ظهور این نهضت نه تنها تاسیس دولت قاجاریه و تشویق و علاقه پادشاهان و شاهزادگان قاجاریه به مدیحه و شعر درباری است بلکه بنا به قول ملک الشعرای بهار غالب شاعران این دوره به علت ابتذالی که در شیوه هندی راه یافته بود، از آن شیوه خسته شده بودند و به احیای شعر گذشته ایران رو آوردند. این نهضت ابتدا در اصفهان آغاز می‌شد و شاعرانی مانند سید محمد شعله اصفهانی، میر سید علی مشتاق، لطفعلی بیگ آذربیگدلی و سید احمد هاتف اصفهانی به مخالفت با شیوه هندی، دست به سرودن اشعاری به شیوه شاعران متقدم مانندسعدی و حافظ می‌زدند. سپس در زمان سلطنت آغامحمدخان قاجار، عبدالوهاب نشاط اصفهانی انجمن ادبی در همان شهر تشکیل می‌داد و شاعران را به سرودن اشعاری به شیوه قدما خاصه به سبک عراقی تشویق کرد.

 هدف شاعران در این انجمن احیای شعر کهن، یعنی سبک خراسانی و عراقی بود.
شاعرانی مانند صبا، نشاط، مجمر، سحاب، وصال شیرازی غالباً به شیوه گذشته شعر می‌سرودند و به مدح فتحعلی شاه و شاهزادگان و تقلید از انواع و قالب‌های مختلف شعر پیشینیان سرگرم شدند و به این ترتیب روند شعر فارسی در تمام قرن سیزدهم یعنی تا زمان سلطنت ناصرالدین شاه با این رویه پیش می‌رود. از معروف ترین شاعرانی که در قرن سیزدهم و قسمتی از قرن چهاردهم بدین شیوه شعر سروده‌اند می‌توان به فروغی بسطامی، قاآنی شیرازی، سروش اصفهانی و ملک الشعرای بهار اشاره کرد. این شاعران هر چند گه گاه اشعار نسبتاً خوبی هم دارند اما بیشتر نیروی خود را صرف محکوم کردن شیوه هندی کرده و اکثراً از پیشینیان تقلید کرده‌اند.
 -شاعران   سبك بازگشت ادبی و شیوه‌های آزاد: آذر بیكدلی، مشتاق، هاتف، ضیاء اصفهانی، رفیق، طبیب، صباحی (كه به سبك عراقی شعر گفته‌اند)، صبای كاشانی، قا آنی شیرازی، سپهر كاشانی، مجمر اصفهانی، سروش اصفهانی، محمود خان ملك الشعرای كاشانی.
شعرایی كه به شیوه حافظ شعر گفته‌اند: میرزاعبدالوهاب نشاط، فروغی، بسطامی .
شعرایی كه به شیوه ساده شعر گفته‌اند: شاطر عباس، عارف قزوینی، ایرج تبریزی، سید اشرف گیلانی .
شعرای متجدد كه سبك قدیم را هم حفظ كرده‌اند: دهخدای قزوینی، بهار خراسانی، فروزانفر، همائی اصفهانی، دكتر ناتل خانلری، دكتر رعدی، رهی معیری، و غیره.
-----------------
 منبع : سبك شناسی زبان و شعر فارسی- ملك الشعرای بهار